

# پشت پرده زار

مرجان دهقان | صبح ساحل

تابه حال برای شما هم پیش آمده است که از دیدن گوشه مادر بزرگ برای پیدا کردن یک وسیله گم شده یا شنیدن «چ مریضی و بدحالی، بیهت تان بزند؟ در این موقع معمولاً خواسته باورها را بدون در نظر گرفتن مفهوم حقیقی شان ارزشگذاری م باورهای انسان گنجینه‌ای از هویت او هستند که درست یا ن خرافه، خنده‌دار یا ملال انگیز، ریشه در فرهنگ و تمدن کشوره به راحتی آن‌ها را بی ارزش دانست. بررسی باورهای گذشتگان و تابه شناخت عمیق‌تر و واقع‌بینانه‌تری از هویت فرهنگی اقوی خودمان برسیم. گاهی این باورهای اندازه‌ای در لایه‌های مختلف و اجتماعی مان نفوذ کرده است که سردرآوردن از معنای حقیق بدون اطلاع دقیق از کنه آن‌ها ممکن نیست. «زار» یکی از استان هرمزگان است که معتقدان بسیاری دارد. باوری که بسیاری در باب آن شده است اما پرداخت‌های سطحی و سه‌ها بادزدگی، جنبه‌های مهمی از آن را مغفول نگه داشته است. در پرونده امروز صبح ساحل به بررسی تاثیر عمیق باورها احوالات روانی انسان پرداخته ایم. یک روان‌شناس پرده از در آینین زار، جن زدگی تلقی می‌شود، برداشته است و یک نق مجموعه‌ای مختص اهل‌هواغفته است.

به بدن فرد  
کنید تا دست  
که شخص  
پس سرش را

تاثیر عوامل فرهنگی تا  
اندازه‌ای است که نوع بروز  
علائم روان‌شناختی، نحوه  
مقابله با بیماری و تمایل فر  
به درمان را نیز تحت تاثیر  
قرار می‌دهد  
اظهار نظر روان‌شناختی  
در مورد زار نیاز به پژوهش  
دقیق دارد اما اگر پیشینه  
افراد مبتلا به زار را به صورت  
علمی مطالعه کنیم، قطعاً  
عوامل زمینه‌ساز این اختلال  
را پیدا خواهیم کرد  
مثلاً ممکن است در دوره‌ای  
که فرد دچار باد می‌شود  
استرس زیادی را تحمل

سودراوردن از علت منطقی آنچه در بین معتقدان به زار با باد و اجنه توجیه می‌شود، نیاز به پژوهش دقیق و همه‌جانبه دارد. برای آن که بهمهم باید از چه کارشناسی در این زمینه کمک بگیرم، پژوهش‌ها و منابع قابل استناد مرتبط را مطالعه کردم. در این بین به مقالاتی از دکتر «فربیا زرانی» روان‌شناس سلامت، درباره نقش فرهنگ در بروز آسیب‌های روانی برخوردم. مشابهت‌های اطلاعات ارائه شده در این مقاله با آنچه درباره زار دیده و شنیده بودم، باعث شد تا از ایشان برای درک بهتر پدیده باذدگی کمک بگیرم. در ادامه گفتگوی من با دکتر زرانی را دنبال کنید.

تاثیر عوامل فرهنگی تا  
اندازه‌ای است که نوع بروز  
علائم روان‌شناختی، نحوه  
مقابله با بیماری و تمایل فر  
به درمان را نیز تحت تاثیر  
قرار می‌دهد

اظهار نظر روان‌شناختی  
درمورد زار نیاز به پژوهش  
دقیق دارد اما اگر پیشینه  
افراد مبتلا به زار را به صورت  
علمی مطالعه کنیم، قطعاً  
عوامل زمینه‌ساز این اختلال  
را پیدا خواهیم کرد  
مثلاً ممکن است در دوره‌ها  
که فرد دچار باد می‌شود  
استرس زیادی را تحمل  
کرده باشد

ناخودآگاه ترجیح دهد در نقش بیمار باقی بماند. اظهار نظر  
روان‌شناختی درمورد زار نیاز به پژوهش دقیق دارد اما اگر  
پیشینه افراد مبتلا به زار را به صورت علمی مطالعه کنیم،  
قطعاً عوامل زمینه‌ساز این اختلال را پیدا خواهیم کرد. مثلاً  
ممکن است در دوره‌ای که فرد دچار باد می‌شود استرس  
زیادی را تحمل کرده باشد.

درمان علمی در فرهنگ‌هایی که بیماری‌ها به  
علتهای فرط‌اطبیعی نسبت داده می‌شود، چقدر جدی  
گرفته می‌شود؟

سبک‌های مقابله‌ای در فرهنگ‌های مختلف متفاوتند.  
یکی از عوامل تعیین‌کننده در تمایل افراد برای  
جست‌وجوی کمک حرفه‌ای علته است که فرهنگ به  
بیماری روانی نسبت می‌دهد. در فرهنگ‌هایی که بیماری  
روانی به علتهای فرط‌اطبیعی نسبت داده می‌شود، افراد به  
احتمال کمتری برای درمان خود به متخصصان سلامت  
روان مراجعه می‌کنند و کمک گرفتن از شفاهندگان سنتی  
مانند داعنویسان ارجحیت دارد. درمان سندروم‌های  
فرهنگی بسیار سخت است و باید محتاطانه با آن بخورد  
کرد. برای آن که مداخلات حرفة‌ای موثر واقع شوند باید از  
نظر فرهنگی مناسب و قابل پذیرش باشند. اولین گام در  
تدوین برنامه درمانی، محترم شمردن باور بیمار است.  
نباید از بیمار توقع داشت درمان‌های سنتی مانند شرکت  
در مراسم زار را در همان ابتدا کنار بگذارد. درواقع فرد  
مبتلا برای حل مشکل خود فقط همین راه را باید داشت. در  
این شرایط کمک گرفتن از رویکرد علمی و پژوهشی و ارائه  
آموزش‌های مناسب، می‌تواند اثربخش باشد. با این کار  
به طور ضمنی فرد به روش‌های تازه‌ای برای کنار آمدن با  
مشکلش مجهز شود که می‌تواند به کمک آن، به تدریج  
باور نادرست خود را باورهای درست جایگزین کند.

واحد گزارش می‌کنند، می‌تواند بر تشخیص صحیح  
اختلالات اثرگذار باشد. سندروم‌های وابسته به فرهنگ  
در تمام دنیا وجود دارند. ژاپن، چین و کره بیشترین  
تحقیقات را در این زمینه انجام داده‌اند.

فرهنگ چگونه زمینه‌ساز بروز این آسیب روانی می‌شود؟  
تبیین نقش فرهنگ بر آسیب‌شناسی روانی مستلزم  
پیچیده‌ای است. فرهنگ از طریق عوامل متعددی  
می‌تواند زمینه‌ساز بروز اختلالات روانی شود. استرس‌های  
ناشی از فقر و درآمد پایین، زمینه را برای بروز اختلالات  
روانی فراهم می‌کند. افرادی که در فقر زندگی می‌کنند،  
منابع مالی کافی برای حفظ استانداردهای اساسی زندگی  
نداشند، فرصت‌های آموزشی، تحصیلی و شغلی کمتری  
دارند و در محیط‌های نامناسبی زندگی می‌کنند که امکان  
دسترسی به خدمات سلامت روان کمتر است. فرهنگ  
هم‌چین می‌تواند با جایگاه باورهای ارزش‌های خاصی، افراد  
را مستعد برخی اختلالات روانی کند. باورهایی مانند ترس  
از سحرجوگاری که خانواده از کودکی به فرزندان خود منتقل  
می‌کند، می‌تواند بر سلامت روان کودک اثرگذار باشد. رابطه  
بین سبک فرزندپروری و بروز اختلالات روانی در بافت  
فرهنگی قابل تفسیر است. ممکن است شخصی به آنلوانی  
متلاش شده باشد اما در فرهنگی پکویند چشم خورداده است.  
این موضوع مسئولیت فرد مبتلا و اطرافیانش برای به عهده  
گرفتن نقش خود در بروز و درمان بیماری کم‌رنگ می‌کند.  
عامل مهم فرهنگی دیگر جمع‌گرایی و فردگرایی جوامع  
است. در فرهنگ‌های جمیع‌گرایانه معمولاً توجه  
کمتری به فردیت افراد می‌شود و خواسته جمع برهمه جیز  
ارجح است. وقتی آشفتگی‌های روان‌شناختی به هر دلیلی  
به وجود می‌آید، بیمار حمایت اجتماعی زیادی دریافت  
می‌کند. در موقعیتی هم‌چون مراسم زار، فرد به دلیل  
مشکلش مجھز شود که می‌تواند به کمک آن، به تدریج  
باور نادرست خود را باورهای درست جایگزین کند.

توجه فوق العاده‌ای که دریافت می‌کند احتمال دارد به طور  
در باور ساحل‌نشینان جنوب ایران هر پدیده غیرقابل  
درگی مانند بیماری‌های جسمی و روحی که پژوهش  
تشخیص نداده است، با زار توجیه می‌شود. فرد مبتلا  
در دوره‌های نامشخص با واقعیت قطع ارتباط می‌کند.  
اشباحی را می‌بیند که قصد آزار را دارند. حرف‌های  
نامفهومی به زبان می‌آورد، دو زانو روی زمین می‌نشیند  
و سرش را باشد به طرفین تکان می‌دهد. این حالت  
چند دقیقه ادامه پیدا می‌کند و پس از آن، شخص چیزی  
به یاد نمی‌آورد. دلیل بروز این علائم چیست؟  
زارهای تواند یک سندروم فرهنگی باشد. منظور از سندروم  
مجموعه‌ای از علائم و نشانه‌های است که وقتی هم‌زمان و  
در کنار هم قرار می‌گیرند، به صورت یک اختلال شناخته  
می‌شود. توهمندی، هذیان، رفتارهای حرکتی نایهنجار و سایر  
نشانه‌هایی که فرد بادزه به آن دچار می‌شود، هرگدام  
می‌توانند از نشانه‌های برخی اختلالات روان‌شناختی  
باشند اما مجموعه این علائم به عنوان یک اختلال قابل  
تشخیص در طبقه‌بندی رسمی موجود در اختلالات روانی  
وجود ندارد. سندروم‌های فرهنگی در همان فرهنگ قابل  
شناسایی هستند و با اصطلاحات منحصر به آن فرهنگ  
مانند زار نام‌گذاری می‌شوند اما در خارج از آن فرهنگ  
باشند. عوnon یک اختلال مشخص، شناخته شده نیستند.  
تاثیر عوامل فرهنگی تا اندازه‌ای است که نوع بروز علائم  
روان‌شناختی، نحوه مقابله با بیماری و تمایل فرد به  
درمان را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. علائمی که فرد در  
قالب یک بیماری ابراز می‌کند، می‌تواند تحت تاثیر فرهنگی  
باشد که در آن زندگی می‌کند. به طور مثال ممکن است در  
فرهنگی اصطلاح افسردگی شناخته شده نباشد و فرد برای  
بیان وضعیت خود از اصطلاح دل مردگی استفاده کند.  
آگاهی از اصطلاحات و زمینه‌های فرهنگی و شناسایی  
علائمی که بیماران در فرهنگ‌های مختلف از یک بیماری

**● شرحی از باور به زار**

در باور عامیانه ساحل نشینیان جنوب ایران هر باد، جنی دارد که با آن وارد جسم انسان می‌شود و او را تسخیر می‌کند. بادها انواع مختلفی دارند و می‌توانند مسلمان، کافر و خطرناک و یا آزار باشند. زار به گروهی از بادهای کافر و خطرناک گفته می‌شود که انسان را برای برآورده کردن خواسته‌اش مركب خود قرار می‌دهد و تا زمانی که آن خواسته اجابت نشود مرکب اش را آسوده نمی‌گذارد. بادها هیچ‌گاه مرکب خود را ترک نمی‌کنند اما رام کردن هر کدام راهی دارد. کسانی را که یک یا چندبار به تسخیر این بادها درآمد و درمان شده‌اند، «هل هو» می‌نامند. اهل هو تا زمانی که خواسته باد خود را برآورده کنند، در امان هستند. برای زیرآوردن باد زار مجلس «بازی» برگار می‌شود. بایازار و مامازار شفاده‌ندگان سنتی هستند که توائسه‌هاند باد خود را کنترل کنند. تشخیص بادزدگی و برگاری مراسم زار به عهده آن هاست. وقتی کسی به اسامی بادزدگی سراغ بایازار یا مامازار می‌رود، آنها ابتدا او را نزد پژشک می‌فرستند. اگر پژشک تواند علت بیماری جسمی یا روحی شخص را تشخیص دهد و دوا و درمان اتفاق نکند، حلول باد درین مسلم می‌شود. بایازار یا مامازار فرد بادزده را هفت روز دور از چشم دیگران نگه می‌دارند و با انواع گیاهان دارویی از او مراقبت می‌کنند. فرد بادزده در مجلس بازی، لباس سرتاپا سفید به تن می‌کند، دوزان و سطح مجلس نشانده می‌شود و پارچه سفیدی بر سرش می‌اندازند. با شروع مراسم، موسیقی مخصوصی نواخته می‌شود و در همین حین بایانات یا ماملات، بنا به حسنیت شخص، بادهای انتظامی



یک کودک، می‌تواند کم کم کارایی و اعتماد به نفس فرد را کاهش دهد. این قبیل باورها و حتی شکل خرافه‌گونه آن‌ها منحصر به جامعه ما نیست بلکه در فرهنگ‌کشورهایی که خود را صاحب بلامنازع علم و تکنولوژی می‌دانند نیز دیده می‌شود.

تأثیر باورهای خاصی مثل نحس بودن عدد چهار در زندگی چینی‌ها تا اندازه‌ای است که مطالعات یک جامعه‌شناس آمریکایی در دانشگاه «سن دیگو» نشان داده است تعداد مرگ‌ومیرهای ناشی از حمله قلبی در روز چهارم هر ماه میلادی نسبت به روزهای دیگر، در بین مردمان چنین بیشتر است.

از اجنه تعريف می‌کرد، در میان اعراب مشهور شد. از آن زمان هرگاه بخواهند سخنی را بی‌اساس بدانند می‌گویند هم‌جون داستان خرافه است. با توجه به مز باریک و لغزنه باورهای خرافی و منطقی، نمی‌توان به راحتی به این سوال که خرافه چیست و خرافاتی کیست پاسخ داد. یک باور ممکن است برای کسی چنان با روح و ذندگی اش بیوند خودره باشد که عین حققت دانسته شود و برای گروهی دیگر خرافه به شمار آید. خرافات مربوط به قشر، طبقه، کشور، منطقه خاص یا مردمان جدید و قدیم نیست. همه ما به گونه‌ای گفтар خرافات هستیم. بنایارین مردمان جهان را نمی‌توان به دو گروه خرافاتی و روشنکر تقسیم کرد بلکه می‌توان گفت آن‌ها بیشتر یا کمتر خرافاتی هستند. برای معمقول یا اساس دانستن باورهای مان باید دنبال قریبه‌های منطقی برای آن‌ها بگردیم زیرا فقط شواهد و دلایل معتبر می‌توانند خرافه یا منطقی بودن یک باور را برای مان روشن کنند.

# پروڈھ سچ نال

سے شنبہ ۲۵ تیر ۹۸| سال سی و چہارم | شمارہ ۳۸۱۲  
Email : Info.Sobhesahel@gmail.com

## اھل ھوا بربوم نقاشی

ما معمولاً از یک اثر هنری توقع داریم مفهوم تازه و اصیلی را آشکار کند. همین انتظار هم باعث می‌شود در پس یک تابلوی نقاشی دنبال معنی و پیام بگردیم در حالی که ماهیت هنر ارائه چنین چیزی نیست. با این وجود هنرمند لحن، آهنگ و قوت احساسش را از جامعه‌ای می‌گیرد که در آن زندگی می‌کند. به همین دلیل می‌تواند تصویر قابل اعتمادی از پدیده‌های پیرامونش ارائه کند و به



هـ توضیح  
ـ مـ با تکنیک  
ـ رـ اثر آن  
ـ اـ اولین بار  
ـ اـ ارخانه بر قـ  
ـ بـ چزیره  
ـ کـ کامل  
ـ کـ کار تصمیم  
ـ اـ اجتماعی  
ـ کـ کرد و از او  
ـ آـ آثار هنری  
ـ جـ جامعه نور  
ـ جـ جامعه به  
ـ بـ بـ وجود  
ـ تـ تـ بگوییم،  
ـ بـ تصمیم به

ـ هـ من هم مثل شما آگاه بودم که چشم‌های اهل هوا حالت خاصی دارد اما نه این که عامدانه روی آن تاکید کنم. تلاش نکردم چشم‌های متفاوتی خلق کنم تا پرسش ایجاد کند یا توجه جلب کنم. برای نزدیک شدن به احوالات سوزه با آن‌ها گفت و گردم. فهمیدن حال شخصی هر کدام از مدل‌ها بر کارم تاثیرگذار بوده است. گاهی این تاثیر خودآگاه بوده اما گاهی در خود کار اتفاق افتداده است. از موسیقی خاص اهل هوا هم کمک گرفته‌ام و در حین کار فقط به آن گوش می‌کردم. در کنار این، تکیک کاملاً در اختیارم بوده است. اگر تکیک با سوزه همراه نباشد شاید مفهوم به درستی منتقل نشود. در ترکیب بندی کلی به اصل سوزه وفادار بوده‌ام و آن را دفرمه نکرده‌ام اما وضعیت هنری کارا کاملاً در نظر گرفتم. مثلاً این که ضربه قلم موجه تاثیری در انتقال حس دارد. هنر یک زبان مشترک است. وقتی مقابل یک تابلوی نقاشی قرار می‌گیری، مهم نیست چه ملیتی داری. اگر هنرمند کارش را درست انجام داده باشد، پیام آن نیاز به ترجمه ندارد. به همین دلیل هنر می‌تواند روی طیف وسیعی از آدم‌ها تأثیر بگذارد و امکان ارتباط گستره‌دا

فراهم کند. با این ویژگی منحصر به فرد هنر، دیده شدن بین المللی مجموعه باهدا می تواند راهی برای جلب توجه به مستله زار و کمک به آن باز کند. برنامه ای برای ارائه این مجموعه در نمایشگاه های خارج از کشور دارید؟

از هر هنرمندی پرسی قطعاً این برنامه را دارد اما این که در عمل چقدر می تواند اتفاق بیفتد مستله مهم تری است. متأسفانه نقاش ها خوبی سخت می توانند در نمایشگاه های خارجی شرکت کنند. یکی از دلایل آن هزینه بالا ای انتقال و بیمه آثار است.

\_\_\_\_\_

کارگاه اول: ایجاد این گونه ای انتقال و بیمه آثار است.

من و شما در نباید کنار گروهی، با ابعاد و تعداد محدود آثار شرکت کنند.

عنوان یک سعادتی در ک اشاره در کنار نوع دست، دست

ضمن این که شرکت در نمایشگاه‌های خارجی نیاز به یک سری مراوده و ارتباطات دارد که من ندارم. برایم اهمیت دارد که این مجموعه در خارج از کشور ارائه شود و با بخش تلاش می‌کنم.

نه به این دلیل، زده زوجه خوبی برای من است. نقطه قابل

است و ابزاری و به طور معمول، طرح، ایجادی از پس نظر ت؟ به نظر اداراند؟

اتکا برای من این است که بخشی از فرهنگ را صادقانه و بدون سیاهنمایی ارائه کنم. همین موضوع پرسش‌ها را نسبت به اصل ماجرا بیشتر می‌کند. شاید در این بین توجه جامعه‌شناسان یا هر شخص دیگری به موضوع جلب شود و بخواهد درباره آن تحقیق کند.

از چالش‌های تنان در راضی کردن مدل‌ها برای همراهان روزی برای من این است.

شدن با کارگویید.  
کرد و باید  
از نظر من  
ور و سنت  
و دگرگوینی  
که در حال  
شان خیلی  
حفظ شده و  
جلب اعتماد مدل‌ها کار راحتی نبود. این‌که قرار بود  
تعدادی پرتره از اهل هوا کشیده شود، مسئله گنجی  
نیست اما آن‌ها در ایندا خیلی سخت راضی شدند.  
درست است که من همراه‌گانی و هم زیان‌شان هستم  
اما متولد هرمز نیستم و همه سوزه‌ها با واسطه برایم  
هماهنگ شد. گاهی همراه‌گان کردن یک مدل دو تا

سه ماه طول می‌کشید یا بعد از پیگیری‌های زیاد موفق نمی‌شدم آن شخص را پییدا کنم. پرتوه بعضی مدل‌ها هم در بین کار به بنست می‌رسید. مثلاً یکی از سوزه‌ها کم سنسوال بود و من در بین کار دچار تردید شدم که اگر مجموعه در هرمزا رائمه شود چه اتفاقی برای آن بچه می‌افتد. ممکن بود از جامعه طرد شود یا مورد توجه قرار گرفتن برایش تعبیتی داشته باشد. به دلیل این ملاحظات ترجیح دادم مدل دیگری جایگزین کنم. یکی از سوزه‌ها که خیلی سریع تر از همه با کار همراه شد «محسن اسلامی» بود. خودش نفاسی بدوی انجام می‌داد و راضی کردنش راحت‌تر بود. هرچه کار جلوتر رفت و آدم‌های بیشتری با کار همراه شدند، راضی کردن دیگران هم راحت‌تر شد.



**● شرحی از باور به زار** برقرار می‌کند. بایار یا مامازار با جوب خیزان به بدن فرد یادداشت معتقد است بایار انتسابه می‌کند تا دست دنیا، عالمانه ساحا نشینان، جنوب ایران، هر یاد، حس، آسم، شناس، همان آسم زار، گفت مگماید که «فراز از» استادان مانشنان دانشگاه امیرکبیر و ممانشنان دانشگاه امیرکبیر، ایهه ای، مجموعه دنیا، همراه داشت، حس، که باعث خلق، اهل سوژه جاذی برای پرداخت است که می‌میشه توجه به مسئله زار و کمک

● **فلسفه شکل‌گیری باورها**

باورها یکی از پررنگ‌ترین جنبه‌های زندگی انسان است که بینایدی ترین مبانی جهان بینی اورادر خود جای می‌دهد. انسان در طول تاریخ توجه خاصی به باورها و افکار اسطوره‌ای داشته است.

اعتقادهای ما به تبع ماهیت درست با نادرست شان تاثیر متفاوتی بر زندگی مان دارد. به طور مثال ممکن است شخصی معتقد باشد سرسوخت او از قبل رقم خورده است. قدرت این باورها بزرگ است. این باورها می‌توانند افراد را در مسیر ایجاد شده از آنها بگردانند. این باورها می‌توانند افراد را در مسیر ایجاد شده از آنها بگردانند.

● **مرز لغزندۀ باورهای خرافی و معقول**

مطالعه باورها نشان داده حتی در افراطی ترین آن‌ها رمزوارازی نهفته است که شاید به دلیل فراموشی فلسفه وجودی شان، اکنون جزو خرافات به شمار آیند. با وجود پیشرفت خیره‌کننده علم و تکنولوژی، بسیاری از ما ناخودآگاه هنوز به باورهای پیشینیان ایمان داریم و بدون آن که دلیل این اعتقاد را بدانیم برای دفع چشمی خزم اسپند می‌سوزانیم و برای دوری از نبروهای اهریمنی قدرت این باورها بزرگ است. این باورها می‌توانند افراد را در مسیر ایجاد شده از آنها بگردانند. این باورها می‌توانند افراد را در مسیر ایجاد شده از آنها بگردانند.

و قدرت عمل چندانی در زندگی ندارد. این باور نه تنها بخش مهمی از زندگی آن فرد را شکل می دهد بلکه با بررسی آن می توان به شیوه زندگی، چگونگی تفکر و بایدهای و نبایدهای او نیز بپرسد.

فلسفه شکل گیری باورها را باید در نیازهای اولیه انسان جست وجو کرد. انسان برای آسایش و در امان ماندن از حوادث طبیعی و غیرطبیعی به رفتار یا افکاری پنهان می برد که به تدریج و بر اثر تکرار تبدیل به یک باور می شوند.

بعضی از باورها دامنه گستردهای دارند و در فرهنگ اغلب مردم دنیا دیده می شوند؛ مانند حرمت نان و نمک که خاص یک فرهنگ نیست بلکه در جوامع بسیاری مراتعات می شود. قدرت باورها تا اندازه ای است که حتی بیوشیمی بدن انسان آزان هات تعیین می کند.

برای نمونه کودکانی که باور می کنند دوست داشتنی نیستند میزان ترشح هورمون رشد آنان کاهش می یابد و در اصطلاح علمی دچار «کوتولگی روانی» می شوند.

همچنین باورهای غلط همچنان عاقلاً به دیده ای از باورها می داشتند. همانند این می باشد که باوری را بدقدم به تحجه می نیمیم. افرادی را حوش قدم و افرادی را بدقدم می دانیم. زیر نقاب به ظاهر خردگاری جامعه نوین، اشتیاق گسترش و فوق العاده ای به پدیده های اسرارآمیز و غمی داریم. باورها نسبت به درجه فهم و بصیرت بشر معنا پیدا می کنند. بسیاری از مسائلی که به نظر ما خرافه هستند، در گذشته به دلیل محدود بودن علم بشری دیرفته شده بودند. برای نمونه مردم در گذشته تصویر خود را جزئی از روح شان می دانستند و تصور می کردند با شکستن آینه، روح آن ها آسیب می بینند؛ به همین دلیل شکستن آینه را بدشگون می دانستند و معتقد بودند اگر آینه ای بشکند، پیشامد ناگواری برای اهل خانه رخ خواهد داد.

این باور در گذشته اصلی بوده است که دانشمندان زمان بر آن صحه گذاشتند اما اگر در دنیا امروز با رد شدن علمی این قبیل باورها کسی هنوز چینی عقیده ای داشته باشد، در واقع به خرافات تکیه کرده است. در روایتی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است «خرافه» مردی از اقبیله عذرہ یمن بود که مدتی اجنه او را بیوده بودند. او پس از راگشت به قبیله به دلیل داشتنی های عجیب غیره که

کشپیل بورهای سی سه پیون مسند پا بودن بوسیل  
یک کودک، می تواند کم کارایی و اعتماد به نفس فرد را کاهش دهد. این قبیل باورها و حتی شکل خرافه‌گونه آن‌ها منحصر به جامعه ما نیست بلکه در فرهنگ کشورهایی که خود را صاحب بلا منازع علم و تکنولوژی می‌دانند نیز دیده می‌شود.

تأثیر باورهای خاصی مثل نحس بودن عدد چهار در زندگی چینی‌ها تا اندزاده‌ای است که مطالعات یک جامعه‌شناس آمریکایی در دانشگاه «سن دیهگو» نشان داده است تعداد مرگ و میرهای ناشی از حمله قلبی در روز چهارم هر ماه میلادی نسبت به روزهای دیگر، در بین مردمان چین بیشتر است.

منبع  
کتاب باورهای عامیانه مردم ایران، نوشته حسن ذوالقدر  
با همکاری علی اکبر شیری، نشر چشم